

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۲۸ دسمبر ۲۰۱۷

پایان سالی دیگر

چند روزی به پایان سال ۲۰۱۷ باقی مانده است. سالی پر از درد و رنج و مشقت برای میلیون‌ها انسان تحت ستم. سال تعرض افسار گسیخته سرمایه‌داران، به محروم‌ترین اقشار جامعه و سال شعله‌ورتر نمودن جنگ‌های امپریالیستی و خانمان‌سوز. به موازات چنین تعرضات و قساوت‌هایی، جهان در سال ۲۰۱۷، شاهد مقابله و رودرروئی پائینی‌ها با بالائی‌ها بوده است. شوربختانه میلیون‌ها انسان، در اثر زیاده‌خواهی‌های طبقه سرمایه‌داری جهانی، زندگی‌شان را، از دست داده‌اند، و میلیون‌ها تن دیگر، با چشمانی حسرت‌زده، به‌دنبال آینده نامعلوم خویش‌اند. میلیون‌ها کودک در اثر فقدان آب آشامیدنی و دیگر بديهيات زندگی، تلف شده‌اند تا سرمایه‌داران جهانی - و در حقیقت یک درصدی جامعه -، رفاه بالاتری داشته باشند.

در حقیقت آمار بدبختی و به‌هلاکت کشاندن زندگی انسان‌ها در سال ۲۰۱۷، به هیچ طریق، قابل وصف و تفسیر نیست. بمباران خانه‌ها و جنگ‌های بی‌پایان، به سوژه روتین و روزانه قدرت‌مداران بین‌المللی تبدیل گشته است، به همین دلیل، مشاهده زندگی انسان‌ها، در گوشه و کنار جهان، برای همه جویندگان راه رهایی، بسیار دردناک و زجرآور است. جنگ‌هایی که زیر ساخت‌های جوامع انسانی را زیر و رو نموده و جان میلیون‌ها انسان بی‌دفاع را گرفته است. دوندگی و تلاش بی‌وقفه میلیون‌ها انسان دردمند برای تهیه نیازهای ابتدایی زندگی، و آن‌هم در قرن بیست و یکم پر از ثروت، سزاوار نیست، در عوض، شاهدیم که اقلیتی بسیار ناچیز، از فراوانی ثروت، به زندگی انگل‌وار خویش ادامه می‌دهند. هم مصاف‌ها، و هم ثروت انسان‌های جوامع بشری، ناعادلانه و جنایت‌کارانه است. دو صف جامعه انسانی، کاملاً منفک از هم است، یکی، در پی تعرض به حیات و نعمات جامعه و سفره بی‌چیز سازندگان جوامع بشری‌ست و دیگری، با چنگ و دندان، به‌دنبال دستیابی به حقوق پایمال شده خویش از قدرت‌مداران و یغماگران است. پر واضح است که میادین طبقاتی کنونی، برابر نیستند، کاملاً روشن است که، صاحبان دم و دستگاه‌های دولتی، حق پائینی‌های جامعه را نخواهند داد و به تبع از آن‌ها، ارزشی برای جان انسان‌ها و کودکان قائل نیستند.

متأسفانه ویرانی‌ها و غصب ثروت‌های جامعه، از حد و مرز گذشته است و سرمایه‌داران، هار و هارتر شده‌اند. علناً از بی‌حقوقی مردم حرف به‌میان می‌آورند و علناً، سرمایه‌های مملکت را به حلقوم عده‌ای مفت‌خوار سرازیر می‌کنند. این‌سوی قضیه - یعنی غارت‌گران و سرمایه‌داران -، به‌دنبال استمرار سیاست‌های جنگی و خانه‌خرابی بیش از پیش‌اند و آن‌سوی قضیه - یعنی کارگران و سایر زحمت‌کشان و دیگر قربانیان نظام‌های امپریالیستی -، با چنگ و دندان و با

وجود مشکلات گوناگون، در پی کسب حقوق‌های ناچیزشان‌اند. همگانی شدن این جنگ و جدل‌ها را می‌توان در پنج قاره جهان به‌عینه دید. به عبارتی درست‌تر، تصاویر جهان انسانی و زندگی کارگران، زحمت‌کشان، زنان، کودکان و خلاصه همه و همه، شبیه به هم است، همه، سوار بر قطار خانه‌خراب کن سرمایه‌داران‌اند و تسمه دنیای تخریب، در دستان جانیمان بشریت گیر کرده است و انسان‌های دیگری را، به کام مرگ می‌کشاند. دو دنیا، و دو نگاه متفاوت، در برابر چشمان حیرت‌زده میلیاردها انسان جهان قرار گرفته است، بیش از نیمی از جوامع دنیا، در جنگ است و مابقی دیگر، در انتظار راه‌اندازی سیاست‌های جنگی سرمایه‌داران و دیگر دار و دسته‌های وابسته و مسلح به آنان‌اند. سودشان فقط و فقط در تخریب زیر ساخت‌های جامعه و منفعت‌شان در کُشت و کُشتار سرمایه‌های انسانی ممالک متفاوت است.

در هر صورت سال ۲۰۱۷، برای عموم دنیای انسانی، سالی انباشته از ناکامی‌ها، و سال به‌هدر رفتن انرژی‌های سازنده بود. سالی بود که سرمایه‌داران جهانی در صفاً واحد، به معیشت انسان‌ها یورش بُردند، سالی بود که بر مقدار و بر میزان تلفات افزوده‌اند. پیداست که مشاهده چنین وضعیتِ دردناکی نمی‌توانست از عجایب کارکردهای نظام‌های سرمایه‌داری به حساب آید؛ چرا که، این خاصیت و برنامه سرمایه‌داران در قبال جامعه و چگونگی نوع زندگی انسان‌هاست. خط سرمایه، هم‌معنا با غارت و چپاول اموال عمومی و هم‌معنی با ازیاد کودکان کار خیابانی، بمباران مدارس کودکان و بیمارستان‌ها، راه‌اندازی جنگ‌های ارتجاعی و آن‌هم به‌همراه دار و دسته‌های وابسته و مرتجع، و بالاخره هم‌معنا، با تخته نمودن در کارخانه‌ها و بالا کشیدن حقوق کارگران و زحمت‌کشان است. علاوه بر همه این‌ها، و در این‌سوی قضیه مشاهده نموده‌ایم که، چگونه کارگران، سایر زحمت‌کشان، زنان و همه قربانیان نظام‌های امپریالیستی، نسبت به دنائت و سببیت زورمداران، بی‌تفاوت نبوده و به انحای گوناگون، با حاکمان و سلطه‌گران به‌مقابله برخاسته‌اند. به راستی که تلاش‌ها، بسیار بوده است و مردم در گوشه و کنار جهان، علیه سیاست‌مداران و حاکمان به‌میدان آمده‌اند و تا آنجائی‌که در توان داشته‌اند، دامنه پیشرفت آسان‌تر سیاست‌های ضد انسانی آنان را، محدود و محدودتر نموده‌اند. به سخن دیگر، سرمایه‌داران علی‌رغم تسلط بر ارکان‌های قدرت و برتری، نتوانسته‌اند، هر آنچه را که در دستور کارشان بود، به‌مرحله عمل در آورند. حیل‌ها یکی پس از دیگری مورد آزمایش قرار گرفت تا جامعه را مرعوب سیاست‌های خویش نمایند. کفگیر ترفندها یکی پس از دیگری، به‌ته‌دیگ خورده است، در ادامه، کارت‌های بی‌رنگ و سوخته شده شان را در میان مخالفان و معترضان پخش نموده‌اند، تا مبارزات و اعتراضات‌شان را منحرف و از اوج تنفر و انزجار میلیون‌ها انسان دردمند نسبت به طبقه سرمایه‌داری بکاهند. آشکار است که درد جوامع کنونی، درد طرفداران رنگ‌های سبز، نارنجی، ارغوانی و غیره نیست، مشاهده شده است که، این‌گونه سیاست‌ها، پاسخ‌گوی جهان انسانی و جهان مدافع برابری و زندگی آرام و سالم برای بشریت نیست. این‌دست تفکر و این‌نوع زندگی، به درد ۹۹ در صد جامعه نمی‌خورد و از آن ۱ درصدی‌هاست. چنین وضعیتی را باید بر سر بانیان‌شان خراب کرد و مانع تخریب بیش از این زندگی میلیاردها انسان محروم جهان شد. جانیمان بشریت، ثروت جوامع بشری را تاراج نموده‌اند و پایانی در زیادخواهی‌های‌شان نیست. به این دلیل که افکار و منش سرمایه، افکار و منش انسانی نیست. مقوله انسان و برابری، کمترین جایگاهی در مخیله علیل‌شان ندارد. با این اوصاف و بنایه چنین ادله تلخ و تأسفباری، چگونه می‌توان، گرسنگی میلیون‌ها کودک را دید و کمترین احساسی، نسبت به زندگی دردآورشان نداشت؟ چگونه می‌توان شاهد خانه‌خرابی میلیون‌ها انسان توسط سرمایه‌داران بود، و تنفیری نسبت به اعمال آنان نداشت؟ چگونه می‌توان نسبت به اوضاع کنونی، بی‌تفاوت بود و کمترین عکس‌العملی از خود نشان نداد؟ و ...

خلاصه، زمان تغییر جهت اوضاع کنونی، و عکس‌العمل مناسب و منطبق بر گفتار مدافعان کارگران و سلیر زحمت‌کشان، فرا رسیده است. علائم این امر را می‌توان در تظاهرات گسترده میلیون‌ها انسان سرتاسر جهان و همچنین

در خیابان‌های ایران دید. مردم به خیابان‌ها آمده‌اند و علناً، علیه سران نظام شعار می‌دهند و خواهان برکناری همه آنان - و آن‌هم با هر رنگ و لباسی -، از مسند قدرت‌اند. همه‌جا و از جمله در کشورهای هم‌چون امریکا، انگلیس، فرانسه، المان، عراق، افغانستان، ترکیه، و خلاصه و خلاصه، همه‌جا، اوضاع اعتراضی مردمی، یکسان است و همه‌جا مردم، از دست حاکمان و قدرت‌مداران زلّه‌اند. تداوم مبارزه و امید به آینده بهتر را می‌توان، در رویارویی کارگران و زحمت‌کشان، با مدافعان سرمایه و آن‌هم در گوشه و کنار جهان دید. خوشبختانه حقانیت آرمان کارگران و زحمت‌کشان و عدالت‌خواهی، نمایانی خود را در شعارهایی هم‌چون مرگ بر قدرت‌مداران و نابود باد سلطه سرمایه نشان می‌دهد. همه این‌ها به‌معنای باطلی افکار و مناسبات سرمایه‌داران، و به‌دنباله، راستی و درستی خواست و اعمال قربانیان نظام‌های امپریالیستی در سرتاسر جهان است. با این تفصیل، تنها با حمایت‌های عملی و حضور آنی و بالفعل مدافعان کارگران و سایر زحمت‌کشان در میدانی طبقاتی‌ست که می‌توان از وضعیت نکبت‌بار کنونی بدر آمد و دنیا و جهان بهتری را برای سازندگان اصلی جوامعی بشری ساخت.

سال جدید بر همه کارگران و ستم‌دیدگان، مبارک باد و باشد، تا سال تازه، - سال ۲۰۱۸ -، سالی سرشار از پیروزی و موفقیت برای همه درمندان، و جویندگان راه رهایی از زیر ستم قدرت‌مداران و سلطه‌گران سرمایه باشد.

۲۷ دسمبر ۲۰۱۷

۶ دی‌ماه [جدی] ۱۳۹۶